

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سیدموسی عثمان هستی مدیرمسئول ماهنامه طنزی و انتقادی بینام در تورتوتوی آنتریوی کانادا  
۱۱ اپریل ۲۰۱۶

## من آب جاری عشق جهادم، ترا طوفان دشمن موج من ساخته

۴



کور و طنزن درحقیقت یک تاریخ است تاج سرصادق ویرخاینین یک سیخ است  
من کاری ندارم مؤرخین چه ها می کنند گربه دقت بخوانی جمله هاچهارمیخ است  
شاعربی وزن وبی ترازو

به ادامه گذشته:

فرضاً اگر صد اتهام مثل قبل به نام من ببندت چون مریض است یک حرف به جواب آن نوشته نمی کنم شما واسع جان مریض نیستید چرا نوشته های دروغ، افتراء و اتهام به دیگران می بندید و لحظه ای خود را از فشار روحی جنایت حزب خوددورنگه می دارید و این عذاب وجدانی سالها با شما است انسانی را که شما زندانی کردید شکنجه دادید بوتل در عقب و فرجش زدید به گفته ثریا بهاء و یا اعدام کردید، زن و اولاد داشت. حالا شما را کارکرد های گذشته تان اذیت می کند و نمی توانید به انسانیت هم برگردید بهتر است که عکسهای خود و همکاران جنایت کار خود را این جا و آنجا به نشر نرسانید و برزخمای ملت مظلوم و عذاب کشیده افغانستان نمک پاشی نکنید

اگر دیر روز دل تان به مردم تان نسوخت امروز بسوزد ندامت کردن و اقرار کردن یک شهامت است چرا مانند پنجشیری و کشتمند از شهامت کار نمی گیرید و سرخرجهل سوار هستید و برزخم ملیت های افغانستان نمک پاشی می کنید اگر به

خدا و روز آخرت عقیده ندارید به هر چه که عقیده دارید از سرکل مردم افغانستان در داخل و خارج افغانستان دست بردارید دیروز در افغانستان بهترین زندگی داشتید امروز در غرب .

و هم در غرب به کدام روی خود را حقوقدان و مدافع قلمداد می کنید چرا باز مرتکب جناحت می شوید از جنایتکاران به نام حقوقدان و وکیل مدافع در سایت ها دروغ می نویسد خدا کند در محکمه ای که من حضور پیدا کنم یکی از شمابه نام یک حقوقدان و وکیل مدافع حضور پیدا کنید آن وقت می دانید که یک پتیر چندنان می شود.

بهترین توصیه من به شما این است اگر ملیت های افغانستان را در جایی می بیند کوچه بدل کنید سر زخم های شان نمک پاش ندهید و هر چیز را سردیگر احزاب چپ و راست می اندازید. یکتعداد شعله ها، سامانی ها، اخگری ها و غیره به شمول باقی سمندر که از اخگری هابود با شما یکجا شدند در کشتار جنایت خود آنها را شریک ساختید شما از هر نوع پرتوکول و ردالت کار گرفتید و عناصر پاک را هم مثل جزامی، جزامی ساختید همین سامانی های ساکن هالند بارزاق جان پسر کاکا شکور برادر جلیل جان برادر غفار جان حریف اعضای گردانندگی یکی از سایت های دوستداران داکتر راتب زاد، برادر جلیل رفیع سر مردانگی و دانش جلیل جان مردم پروان افتخار می کند

رزاق خان قبلاً معلم بود از ایام جوانی با یکی از جناح حزب دموکراتیک خلق پرچم روابط تنگ تنگ داشت و مردانه سرسپرده آن جناح بود کمتر از چهار سال شده با این خانواده تماس ندارم رزاق معاون سیاسی و رئیس خاد پلچرخ بود یک تعداد دزد یا چپ مبارز را در زندان جذب کرد پیرو راه و رسم شما ساخت حتی گپ جذبی هایش که قبلاً از سرسپردگان چپ افغانستان بودند به جاسوسی شما کشیده شد.

شما مانند جزامی ها از کدام حزب، گروه و دارودسته سیاسی جذبی ندارید؟ تمام کثافت ها را دور خود جمع کردید امروز بر روی ملیت های پاک افغانستان این اشخاص خود فروخته را می کشید.

مثال داکتر صبور الله سیاه سنگ که از جوانان مبارز و سرسپرده ساما بود که در درون زندان او را جذب کرده بودید یا نکرده بودید وقتی که از زندان برآمد در مجله سبائون شما او را مقرر کردید و بعد ها من خبر شدم چون در آن ایام من در کاندادا بودم و با اسناد، دوستی به من ثابت کرد آن مجله اصلاً توسط خاد ساخته شده بود نویسندگان چیره دست را در گودال تسلیمی فرومی بردید چهره های آنها را نا جوانمردانه مسخ سیاسی می کردید بعد در اجتماع را می نمودید فریبا آتش که از اعضای برجسته شما بود در مجله سبائون حرف اول را می زد صبور الله سیاه سنگ که از نگاه روابط جنسی می گویند ضعیف است که نه من تائید می کنم و نه رد، صبور سیاه سنگ را فریبا آتش صادق جذب نمود که تا امروز از گودال کثافت شما نجات نیافته بعد نیلاب موج بعد از زمزمه شعر زنده یاد سرمد معلم ساینس و شاعر چیره دست از اعضای ساما بود او را شما اعدام کردید یا نیلاب موج یا صبور اله سیاه سنگ بعد از دکلمه شعر سرمد موج و سیاه سنگ به دام یکدیگر افتادند

به شیری که صبور الله سیاه سنگ خورده آفرین باید گفت! هنوز هم با شما روابط تنگاتنگ دارد طور مثال با داکتر بدیع جیرد، جنرال ازهر، جنرال عظیمی با فرشته آتش، صادق، نیلاب موج همین هابا هم همکاری دارند و صبور الله سیاه سنگ بنیان گذار حزب شمارا به نام نویسنده بیطرف در کتابی که نوشت و طرفداران پرچم آن کتاب را فوری به روسی و دیگر زبانها ترجمه کردند در آن کتاب سردار داوود را بی شرمانه صبور الله سیاه سنگ از زبان این و آن برانت داد. عظیمی که سر جنرال قادر خلقی نوشت صبور سیاه سنگ در نوشته ها و فیس بوک خود با دارودسته مستعار نویسان خود به نام نویسنده بیطرف عظیمی را سر شانه جنرال عبدالقادر با چرند قلمی سوار کرد گاو سر گاو میش در فیس بوک شهزاده خوانده و شما می دانید که اینها یک گروه توطئه گر در سایت ها، فیس بوک ها و وبلاک ها هستند به نام مستعار می نویسند و مردم و نویسندگان های افغانستان را سرکوب می کنند نویسندگان ها می دانند که اینها یک گروه توطئه گر هستند که

این اخلاق شوم را از حزب دموکراتیک خلق به میراث گرفته اند. حال این رذالت ها جزء اخلاق شان شده، این مستعارنویسان عظیم بابک و صبورالله سیاستگ است و ثریا بهاء هم گاهگاه از این روش غیر انسانی استفاده می کند و به نام مستعارخودش و همسنگران علیه اشخاص شریف می نویسند و من بارها گفته ام به مستعارنویس بی وجدان و بزدل جواب نمی گویم. در این عصر دموکراسی و اینترنت اگر کدام سایت که او هم بزدل و بی نام باشد نوشته مستعارنویس بی وجدان را نشر کند من جواب نمی گویم اگر سایت سرشناس نوشته مستعارنویس را به نشر برساند تنبان سایت وگردانندگان سایت را با قلم و کاغذ می کشم چنانچه بار ها این کار را کرده ام بارها به من می گویند نباید با یک گروه بی وجدان قلم و کاغذ بزنی که تو تنها هستی من گفته ام من با این مستعارنویسان بی وجدان نزنم تونزنی میدان قلم و کاغذ به این بی وجدانان می ماند.

تاریخ نویسانی که رابطه غیر انسانی با دارودسته خاین دارند و یا از این پول می گیرند که از احمد و محمود قهرمان تاریخ، با قلم نه از روی اسناد، بسازند من در مقابل این دو قماش بی وجدان مردانه و ارایستاده ام. گفته ام تا که زنده هستم از واقعیت نویسی استقبال می کنم و اگر وارونه نویسی کسی کرد خصیه های قلم را دردهان شان داخل می کنم همین صبورالله سیاه سنگ که با اعضای بدنام حزب دموکراتیک خلق درکار کاروان شعرتورنتوی آنترویوی کانادا روط دارد حتی شکرالله شیون یک انسان پاک بود حزب دموکراتیک خلق دریکی از سایت های خود و را عضو هیأت تحریر آن سایت ساختند و اورامسخ سیاسی ساختند به خاطری که راجع به توبه نامه پنجشیری و کشتنم نوشته بود همین صبورالله سیاه سنگ به شما پرچی ها، شکرالله شیون را معرفی کرد و رنه از شما نفرت داشت و دارد

کاروان شعرتورنتو را شما به گردانندگی ربانی بغلانی مشهور به پروانه اندرابی، ظهورالله ظهوری که از جذبی های شما بعد سربه نیست شدن ظاهر بدخشی بود، راعون که درکاروان شعرتورنتو است خودش و پدرش از شما بود فاطمه اختر که درکاروان شعرتورنتو است بوتل درفلان زنان درخارنوالی انقلابی با دیگر اعضای زن و مرد شورای انقلابی با پای شوت می کرد اعضای خارنوالی انقلابی خاد بود و همین کثافت ها درتورنتو زندگی می کنند از دار و دسته شما بوندو هستند

من هرچیز در ایام زندگی شخص نوشته می کنم روزی اصف آهنگ مرا در ایالت وانکور کانادا در یک مجلس دید چون ما از سالهای قبل یک دیگر را می شناختیم مرا در آغوش گرفت گفت وقتی که من از زبان جنرال رئیس مصونیت ملی سردار محمد داوودخان نوشتم که جنرال رئیس مصونیت ملی به من گفت مجید کلکانی از مصونیت ملی پول می گرفت یگانه کسی که در مقابل من نوشته گرد تو بودی و اعضای بزدل ساما سکوت اختیار کردند واقعاً تو مرد مستقل بودی هستی گفت: چون واقعیت بود وجدان من به من اجازه نداد که دفاع کنم من نوشته های ترا می خوانم کسی که مثل من از جریانات زمان سردار هاشم خان تا امروز حکومت کرزی با خبر نیست حرفها و نوشته های ترا نمی داند. هیچ جای شک نیست که تو تاریخ زنده همین دوران تاریخی می باشی نه تنها نام مطبوعاتی تو (هستی) است تو مرد واقعیت نویس این واقعیت ها رانوشته می کنند و شوخی تو با اسمعیل سیاه مشهور با گوزوک هراتی درباره خانواده نادرخان و جروبحث تودرخانه میرعلی گوهر غوربندی با گاسوارا فراموش نمی کنم و من از زبان ملک خان وزیر مالیة سردار محمد داوودخان که از زندان برآمد و من به دیدن وی رفتم شنیدم گفت: چند روزی که سید موسی آقادر زندان دهمزنگ با ما گذشتاند نزد من از نگاه تاریخی فراموش ناشدنی است.

من در حال زنده بودن استاد نصیر مهرین که دوست من بوده هست و از او بارها معذرت هم خواسته ام من در حقیقت نویسی زیر هیچ نوع بار نمی روم من چقدر عمر دارم که موزه این و آن را پاک کنم از خاین صادق بسازم تاریخ را وارونه

کنم نسلهای فردا را به بیراهه بکشم. سیستانی که این ردالت را می کند به کل مؤرخین کفایت می کند بگذار که حق شناس پنجشیری و سیستانی هر بدی که در تاریخ می کنند بکنند.

بارهانوشته ام راجع به کودتای هاشم خان میوندوال، بارها راجع به سه عقرب، بارها راجع به کودتای گاو سوار، بارها راجع به قرآن خوران تاریخ نوشته ام. از قرآنی که احمدشاه مسعود با شانزده نفر از منتقدین پنجشیرامضاء نموده بود در آن قرآن امضای حاجی گلستان و خاورنوال عبدالرؤف خان که از اقارب نزدیک زنده یاد پهلوان احمدجان بودند موجود است که احمدشاه مسعود در سوره مائده به قلم خود نوشته که من پهلوان احمدجان را با خود می برم، نمی کشم و با عزت برمی گردانم او را به نام تعهد در قرآن مثلی که حبیب الله کلکانی را حضرت شوربازار برد و نادر او را کشت نادرگفت من قرآن کرده بودم و سر عهد خود ایستاده هستم من حبیب الله و همراهانش را نمی کشم این مردم جنوبی که با من همکاری کردند کشتن حبیب الله کلکانی را حق خودمی دانند می کشند پهلوان احمدجان را احمدشاه مسعود خسیس به اساس تعهد قرآنی خود برد و کشت.

برادر و پسر کاکای پهلوان احمدجان و صدها رفیق و طرفدار وی را با وجود قرآنی که کرده بود احمدشاه مسعود کشت اگر ترا کس دیگر واسع جان غفار نمی شناسد من تمام اعضای خاړنوالی انقلابی و محکمه انقلابی را از نزدیک می شناسم به شمول خود شما و شادان پسر جیلانی خان رئیس تحریرات داوود خان. صرف نظر از روابط فامیلی که با ما داشتند و رئیس صاحب جیلانی خان حیثیت کاکای معنوی را بر من داشت شادان از زمان نوجوانی و از زمانی که در فاکولته حقوق رفیق عبدالوهاب و طنپار بایانی پسر حاجی عبدالهادی خان بایانی بود با وجودی که پسر عبدالوهاب از پرچمداران شناخته شده بایان و ولایت پروان بود عبدالوهاب و طنپار را شما در زندان انداختید شادان رئیس محکمه انقلابی به او کمک کرده نتوانست فعلاً با زن دوم خود که پنجشیری است در خیرخانه کابل زندگی می کند و از زمانی که شادان مدیر ذاتیه استره محکمه در زمان شاه بود من او را و فامیل او را می شناسم و عبدالله جان شادان برادر شادان رئیس محکمه انقلابی هنوز زنده است در لندن زندگی می کند نمی دانم که حالا هم همکاری رادیویی بی سی است یا نیست و شما اعضای تسلیمی هر جریان چپ و راست و میانه رو و تند رو اخوان و غیر اخوان، جنرال و رئیس عضو کمیته حزب دموکراتیک خلق ساختید. تنها صوفی شنا که راپور شما و رهبران شما را به سفارت روس در کابل می داد او را زندانی کردید و طنداری و رفاقتی که صوفی شنا با دستگیر خان پنجشیری داشت آن هم به درد صوفی نخورد. طرفداران سرشناس هر حزب صرف نظر از خوب و بد جاسوس و وطن فروش در حزب دموکراتیک خلق در زمان دکتر نجیب الله جذب گردیدند مقام های حزبی و غیر حزبی به آنها داده شد

چنانچه بابه صاحب طوفان گفت ایام خرتوخری آمده بود من هم در این ایام عضو کمیته مرکزی شدم گفت مرا اول عضو البدل قبول کردند دیدم که پالان از پشت خزان سیاسی پائین می کنند آنها را عضو اصلی حزب دموکراتیک خلق می سازند در همان مجلس من از دکتر نجیب خواهش کردم و گفتم از تمام این اشخاص غیر ظاهر افاق که مستحق است من مستحق عضویت اصلی کمیته مرکزی هستم. دکتر نجیب الله مرا هم به حساب بیست و یک در لیست اعضای اصلی کمیته مرکزی عضو دموکراتیک خلق شامل کرد طول نکشید که با قراردادهای مخفی با مجاهدین خصوصاً با احمدشاه مسعود همپیمان اصلی حزب دموکراتیک خلق با دولت نجیب الله کنار آمد جنرال های پرچم و خلق، بین احمدشاه مسعود، گلب الدین حکمتار، جنرال دوستم و حزب وحدت تقسیم شدند حتی بیروی سیاسی شان مثل کشتمند و دستگیر پنجشیری همکار مجاهدین هفت گانه و هشت گانه شدند و هم عناصر بزدل چپ جذب گردیدند.

ادامه دارد